



بسمه تعالی

امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۱۴۰۳-۱۴۰۲

مهر مدرسه

| | | |
|---------------------|---------|------------------------|
| ساعت برگزاری: ۹ صبح | نرد: ۱۷ | مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه |
|---------------------|---------|------------------------|

| | | |
|-----------------------|------------|------------|
| شماره یا نام صحیح اول | نرد به عدد | نرد به حرف |
| شماره یا نام صحیح دوم | نرد به عدد | نرد به حرف |

کد طلسمی:

| | |
|--------------|---|
| کد امتحان: | ۲۴۰۲۲/۱۱ |
| تاریخ آزمون: | ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ |
| عنوان: | فلسفه (۳) |
| کتاب: | کلیات فلسفه (علی شیروانی) |
| محدوده: | از ابتدای درس ۲۶ (قانون علیت) تا پایان کتاب |
| حذفیات: | دروس: ۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۴۰-۴۱-۴۲-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹ |

کلمه از نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخ نامه، خودداری نمایید.

۰/۵

۱- جعل اولاً و بالذات به چه چیزی تعلق می گیرد؟ ۲۶د ص ۲۴۸

- (أ) ماهیت
- (ب) سیورورت
- (ج) وجود
- (د) اتصاف ماهیت به وجود

۰/۵

۲- فاعلیت انسان نسبت به صور خیالی ای که در خود ایجاد می کند، از کدام نوع است؟ ۲۹د ص ۲۷۴

- (أ) فاعل بالقصد
- (ب) فاعل بالتجلی
- (ج) فاعل بالرضا
- (د) فاعل بالعنايه

۰/۵

۳- منظور از وحدت و بساطت در موضوع قاعده الواحد کدام است؟ ۲۷ ص ۲۶۰

- (أ) وحدت سنخی، بساطت خارجی
- (ب) وحدت شخصی، بساطت خارجی
- (ج) وحدت سنخی، بساطت عقلی
- (د) وحدت شخصی، بساطت عقلی

۰/۵

۴- کدام مورد از شروط تسلسل محال نیست؟ ۲۸ ص ۲۶۷

- (أ) بالفعل بودن اجزای سلسه
- (ب) همزمانی در وجود
- (ج) ترتب بین اجزا
- (د) عدم تناهی از دو طرف

۰/۵

۵- بنا به نظر مشهور حکیمان قبل از ملاصدرا، حرکت در کدام مقولات رخ می دهد؟ ۳۸د ص ۳۵۸

- (أ) این، کیف، کم، وضع
- (ب) کم، کیف، متی، این
- (ج) کم، کیف، وضع، متی
- (د) کم، کیف، این، اضافه

۰/۵

۶- دیدگاه صحیح در باب نحوه ی اتصاف واجب تعالی به صفات ذاتی ثبوتی حقیقی کدام است؟ ۴۴د ص ۴۲۸

- (أ) این صفات مصداقاً و مفهوماً عین ذات واجب و عین یکدیگرند.
- (ب) این صفات مصداقاً عین ذات واجب و عین یکدیگرند ولی مفهوماً مغایر با یکدیگرند.
- (ج) این صفات مصداقاً مغایر با یکدیگر ولی مفهوماً عین یکدیگرند.
- (د) این صفات مصداقاً و مفهوماً مغایر یکدیگرند.

۷- علل قوام و علل وجود را تعریف کرده و کامل توضیح دهید؟ د ۲۶ ص ۲۵۰ و ۲۵۱

علل داخلی که علل قوام نیز نامیده می‌شوند، همان ماده و صورت‌اند که اجزای تشکیل‌دهنده و قوام‌دهنده معلول‌اند و علل خارجی که علل وجود نامیده می‌شوند، همان فاعل و غایت هستند. به علت فاعلی ما به الوجود و به علت غایی ما لاجله الوجود نیز گفته می‌شوند.

۸- یک برهان بر قاعده الواحد ارائه نمایید؟ د ۲۷ ص ۲۶۱

مقدمه نخست: میان علت و معلول سنخیت ذاتی وجود دارد.

مقدمه دوم: یک شیء تنها در صورتی می‌تواند سنخیت ذاتی با چند چیز متباین فاقد هر گونه وحدت و اشتراک برقرار سازد که دارای جهات کثیره باشد. نتیجه‌ای که از این دو مقدمه گرفته می‌شود آن است که از علتی واحد و بسیط که دارای جهات کثیره نیست کثیر بماهو کثیر صادر نمی‌گردد.

۹- از دیدگاه صدرالمتهلین، نفس مجرد انسان نسبت به کمالات ثانوی خویش چه نوع فاعلیتی دارد؟ چرا؟ د ۲۹ ص ۲۷۶

از دیدگاه صدرالمتهلین نفس مجرد انسان نسبت به کمالات ثانویه خویش فاعل بالتجلی است چرا که نفس مجرد انسانی صورت اخیر نوع خودش است و از این رو در عین بساطتی که دارد مبدأ همه کمالات ثانویه خود است و چون خودش به وجود آورنده این کمالات است، در مرتبه ذات واجد آنهاست و در نتیجه علم حضوری او به ذاتش، علم به تفصیل کمالات آن نیز هست.

۱۰- قوه و فعل را با توجه به عبارت زیر همراه با مثال تعریف کنید؟

«وجود الشی فی الاعیان، به حیث یترتب علیه آثار المطلوبه منه، یسمى فعلاً و یقال: ان وجوده بالفعل و امکانه الذی قبل تحققه یسمى قوه و یقال: ان وجوده بالقوه بعد» د ۳۵ ص ۳۲۹

فعل عبارت است از وجود خارجی شیء به گونه‌ای که آثار مطلوب از آن بر آن مترتب گردد و قوه عبارت است از امکان وجود شیء که پیش از تحقق آن است. مثلاً وقتی می‌گوییم در اینجا یک درخت سیب بالفعل موجود است مراد آن است که چیزی تحقق دارد که همه آثار واقعی درخت سیب را دارد؛ اما وقتی می‌گوییم دانه‌ی سیب بالقوه درخت سیب مراد آن است که هم اکنون واقعاً درخت سیب وجود ندارد؛ بلکه چیزی تحقق دارد که می‌تواند به درخت سیب تبدیل شود.

۱۱- حرکت توسطی و قطعی را با مثال کاملاً توضیح دهید؟ د ۳۶ ص ۳۴۰-۳۴۱

حرکت توسطی: عبارت است از بودن شیء متحرک میان مبدأ و منتها، به نحوی که هریک از حدود و مسافت را در نظر بگیریم، متحرک در لحظه قبل و در لحظه بعد در آن حد وجود ندارد. مثلاً اگر با یک قلم خطی از نقطه الف به نقطه ب در حال رسم شدن باشد به گونه‌ای که نوک قلم هر لحظه از نقطه الف دور می‌شود و به نقطه ب نزدیک می‌گردد در این صورت حرکت توسطی همان نقطه‌ای خواهد بود که هر لحظه با نوک قلم رسم می‌شود. حرکت قطعی: عبارت است از بودن شیء متحرک میان مبدأ و منتها، به گونه‌ای که نسبتی به هریک از حدود فرضی مسافت دارد. در همان مثال پیشین حرکت قطعی در واقع خطی خواهد بود که قلم با انتقال از نقطه الف به سوی نقطه ب میان این دو نقطه ترسیم می‌کند.

۱۲- عبارت «متغیر بالذات با چهره ثابت خود مستند به علت است» در جواب چه اشکالی می‌آید، آن را کامل توضیح دهید؟ د ۳۷ ص ۳۵۱

اشکال: اگر پدیده متحول و پویا لزوماً مستند به یک علت متحول و پویا همچون خودش است، باید همان علت نیز به چیزی که چون خودش متحول و پویاست مستند باشد و این روند همین‌طور ادامه می‌یابد. لازمه چنین چیزی یا تسلسل است یا دور یا وقوع تحول در منشأ نخستین. قاعده «عله المتغیر متغیره» قاعده عقلی است و قاعده عقلی را نمی‌توان تخصیص زد؛ لذا این قاعده هم شامل متغیری می‌شود که تغییرش ذاتی است و هم شامل متغیری می‌شود که تغییرش عارضی است. در پاسخ به این اشکال می‌گوییم متغیر بالذات دو چهره دارد یکی جنبه تغیر آن است و دیگری جنبه ثبات آن. آن جنبه‌ای که به علت مستند است همان جهت ثابت هویت آن است و لذا معلول در این موارد در حقیقت ثابت است و لذا می‌تواند از علت ثابت صدور یابد. پس خروج متغیر بالذات از قاعده فوق خروج تخصصی است نه تخصیصی یعنی موضوع این قاعده در حقیقت شامل متغیر بالذات نمی‌شود. آن چه به علت مستند است و علت آن را افاضه و ایجاد می‌کند همان جنبه اصیل و فی نفسه شیء است، بنابراین شیء به لحاظ جنبه ثابت هویتش مستند به علت است نه به لحاظ جنبه متغیر آن.

۱۳- توحید در خالقیت را از راه وجود رابط اثبات کنید؟ د ۴۳ ص ۴۰۷-۴۰۸

أ) وجود معلول فی غیره رابط است و هیچ استدلالی از خود ندارد.

ب) اگر سلسله‌ای از علت‌ها و معلول‌ها را در نظر بگیریم حلقه‌های میانی اگر چه نسبت به معلول خود، بهره‌ای از استقلال دارند، اما این استقلال نسبی است، چرا که همان شیء عین الربط و تعلق به علت خودش است.

ج) وجود رابط از خود هیچ حکمی ندارد و هر حکمی به آن نسبت داده شود برای وجود علت و مقوم به او می‌باشد.

د) ملاک و معیار علیت استقلال در وجود است. وجودی که عین ربط به غیر است هرگز نمی‌تواند ایجاد کننده و وجود دهنده به غیر باشد.

ه) سلسله موجودات معلول به واجب تعالی منتهی می‌شود و تنها اوست که استقلال مطلق در هستی دارد.

نتیجه: هیچ مؤثری در عالم هستی جز او نیست و غیر او هرچه هست تنها از استقلال نسبی برخوردار است پس «لاموثر فی الوجود الا الله»